

بسمه تعالی

شماره ۱/۶۳/۱۲

تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲

اداره کل ثبت احوال استان

با سلام

ضمن ارسال تصویر بخشنامه شماره  $\frac{۱/۳۴/۱۶۵۶۹}{۷۸/۱۰/۱۲}$  معاونت قوه قضاییه و ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مبنی بر لغو بند ۴۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی، مقتضی است دستور فرمایید به ادارات تابعه ابلاغ نمایند در صورت رایۀ اقرارنامه رسمی زوجیت بدون قید نوع دین زوجین نیز نسبت به ثبت واقعه ازدواج آنان در اسناد و شناسنامه‌هایشان اقدام نمایند.

محمدابراهیم انصاری  
معاون وزیر و رییس سازمان

## نقض اصل ۲۸ قانون اساسی در مورد برخی از اقلیت‌ها

### بسمه تعالی

شماره ۷۸-۹۱۰

تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۶

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام

همان‌طور که مستحضرید اصل ۲۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» چنانکه ملاحظه می‌فرمایید در این اصل در مورد اشتغال افراد به سه نکته مهم اشاره شده است:

- ۱- اصل آزادی اشتغال برای همه یعنی حداقل همه اتباع ایران بدون توجه به وابستگی نژادی، قومی، زبانی و مذهبی.
  - ۲- تکلیف دولت به ایجاد شرایط مساوی اشتغال برای همه افراد یعنی بدون توجه به هر نوع وابستگی نژادی، قومی، زبانی و مذهبی.
  - ۳- جواز محدود کردن آزادی انتخاب شغل به صورت استثنایی در صورتی که شغل مورد نظر، مخالف مصالح عمومی و یا حقوق دیگران باشد.
- شکایاتی از بعضی از افراد و گروه‌ها مخصوصاً اقلیت‌های غیررسمی مذهبی به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی می‌رسد که به نظر می‌رسد اصل ۲۸ قانون اساسی نقض شده است، دو مورد که به نظر می‌رسد نقض فاحش این اصل قانون اساسی است و حل آن به وسیله حضرت‌عالی مخصوصاً در مورد اول میسر است حضورتان اعلام می‌شود:

۱- شخصی به نام دکتر جمشید فارسی دامپزشک شکایت نموده که سازمان دامپزشکی کشور از دادن پروانه اشتغال به حرفه دامپزشکی به لحاظ بهایی بودن او خودداری نموده است. در پیگیری‌هایی که به عمل آمد معلوم شد امتناع سازمان دامپزشکی به دادن پروانه به نامبرده مستند به ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون سازمان دامپزشکی کشور مصوب هیأت وزیران در سال ۱۳۷۳ است که شرط صدور پروانه دامپزشکی را تدین به یکی از ادیان رسمی کشور دانسته است (تصویر ماده مزبور پیوست است) از آن جهت که به نظر نمی‌رسد اشتغال یک فرد غیرمتدین به یکی از ادیان رسمی به امر دامپزشکی مخالف اسلام و مصالح عمومی یا حقوق دیگران باشد این ماده از آیین‌نامه مزبور مغایر قانون اساسی به نظر می‌رسد. اگر نظر حضرت‌عالی نیز همین است سهل‌ترین راه این است که دستور فرمایید از سوی معاونت حقوقی ریاست جمهوری اصلاحیه آیین‌نامه مزبور تهیه و در هیأت دولت تصویب شود و یا از هر طریق دیگر که مناسب می‌دانید دستور اقدام لازم را بفرمایید.

۲- شخصی به نام دیانت دهقانی از آباده شکایت نموده که در سال ۵۹ به لحاظ بهایی بودن از اداره آموزش و پرورش اخراج شده است برای تأمین معاش مغازه جوش‌کاری باز کرده که اتحادیه اصناف مغازه او را نیز بسته و اجازه کار به او نمی‌دهند چون شکایت‌های مشابهی نظیر آن وجود داشت از مسئولین امور صنفی آباده توضیح خواسته شد، سرانجام دبیر مجمع امور صنفی آباده به هیأت اعلام داشت در خصوص کسب و کار فرقه ضاله قبلاً از سوی امام جمعه آباده از حضرت امام (ره) استفتاء به عمل آمد و امام (ره) در پاسخ فرمودند:

«از هر گونه معاشرت و معامله با این فرقه ضاله واجب است اجتناب شود...» و چون دادن جواز کسب به این افراد و اشتغال آن‌ها در بازار مسلمین ممکن است موجب معاشرت و معامله مردم با این‌ها گردد و صادرکنندگان مجوز کسب شریک در معامله حرام باشند؛ از این رو از دادن جواز کسب خودداری شده است. تصویر استفتاء و نامه دبیر مجمع امور صنفی جهت ملاحظه پیوست می‌باشد چنانکه ملاحظه می‌فرمایید دنباله پاسخ حضرت امام (ره) به استفتاء آمده است: «نسبت به مقررات دولت نظر دولت

باید رعایت گردد.»

برخی احتمال می‌دهند که قسمت اول پاسخ حضرت امام (ره) مبنی بر حرمت معاشرت و معامله تکلیف شخصی افراد است و آنچه در زمینه اعطاء و ابطال جواز کسب حاکم است مقررات قانونی دولت می‌باشد که با ملاحظه نظم جامعه و قانون اساسی و رعایت حقوق اولیه شهروندان و اتباع ایرانی وضع و اجرا می‌شود. ولی به هر حال چون مسأله موکول به فتوای شرعی حضرت امام شده است هیأت مصلحت دانست موضوع را به اطلاع حضرت عالی برساند که عندالاقضاء با کسب نظر شرعی مقام معظم رهبری رهنمود و دستور لازم عملی را صادر فرمایید.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۴۶۹۸

تاریخ ۱۳۷۸/۵/۳۰

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی

با سلام

گزارش شماره ۷۸-۹۱۰/م مورخ ۷۸/۵/۲۶ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و ضمائم آن، موضوع: شکایت افراد و گروه‌ها به خصوص اقلیت‌های غیررسمی مذهبی در مورد نقض اصل ۲۸ قانون اساسی، که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی‌نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر روحانی

چون مسأله به نحوی در دبیرخانه مطرح است لازم است مفاد این نامه نیز لحاظ شود. به نظر من قانون اساسی مبنای مسلم و مورد اتفاق نظم در جامعه است و پایبندی به نظام جمهوری اسلامی یعنی تعهد در اجرای کامل این میثاق عمومی است. همان‌طور که از متن هم برمی‌آید نظر امام (ره) منافاتی با عمل به قانون ندارد خاصه اگر تأکیدات مکرر و جدی آن بزرگوار را نسبت به رعایت قانون به آن منضم کنیم و در این جا نیز به صراحت رعایت ضوابط و مقررات دولت را فرض دانسته‌اند. در عین حال اگر لازم باشد مطالب به استحضار مقام معظم رهبری هم برسد تا نظر معظم را نیز داشته باشیم گرچه اگر طبق موازین و ملاک‌های موجود قضیه روشن باشد (که به نظر من چندان

مبهم نیست) اجرای دقیق قانون اساسی و قوانین دیگر لازم است  
و حالت منتظر، ندارد.»

سید محمدعلی ابطحی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## در مورد رعایت حقوق اقلیت‌ها طبق قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۲۲۳۷

تاریخ ۱۳۷۹/۶/۶

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با این‌که در اصل ۱۲ دین رسمی ایران را اسلام و مذهب جعفری دانسته و اقلیت‌های دینی شناخته شده و یا رسمی را در اصل ۱۳ منحصر به سه دین زرتشتی، کلیمی و مسیحی نموده است، در اصل ۱۴، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده که نسبت به افراد غیر مسلمان به طور مطلق با قسط و عدل اسلامی عمل نماید و حقوق انسانی آن‌ها را رعایت نماید، در برخی از اصول قانون اساسی در زمینه حقوق اساسی مردم، نیز به طور مطلق، عناوینی از قبیل: اشخاص، افراد، هرکس، هر ایرانی، هیچ‌کس و نظایر آن‌ها مورد لحوق حکم قرار گرفته و حقوق اساسی آن‌ها محفوظ و محترم شمرده شده است، مثل اصل ۲۲: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است...» یا اصل ۲۳ که اشعار می‌دارد: «... هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذة قرار داد...» و یا اصل ۲۸ که مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند...» یا اصل ۳۱ که بیان می‌دارد:

«داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است...» بر همین قیاس

می‌توان به اصول ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷ و ۴۱ و نظایر آن‌ها اشاره نمود که برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر مفاد اصول خودداری می‌شود، نظیر چنین مضامینی در برخی از معاهدات بین‌المللی که دولت ایران نیز آن‌ها را تصویب کرده و جزء قوانین داخلی درآمده مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مقاوله نامه شماره ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار وجود دارد، در سخنان مسئولین جمهوری اسلامی ایران به مناسبت‌های مختلف به خصوص در سال‌های اخیر مخصوصاً در بیانات متعدد حضرت‌عالی از حقوق شهروندی همه ایرانیان و لزوم رعایت حقوق اساسی آن‌ها از هر قوم و قبیله و هر مذهب و عقیده‌ای به طور مطلق حمایت شده که مورد استناد و مطالبه قرار می‌گیرد. اخیراً مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در تبیین سیاست‌های کلی نظام و اولویت‌های این سیاست‌ها در زمینه‌های مختلف در خصوص سیاست‌های کلی نظام در بخش اقوام و مذاهب (ظاهراً در مهر ماه ۱۳۷۷) در بند ۱ این عنوان کلی و مطلق را تصویب نموده است: «حمایت از مردم ایران از هر طایفه، عشیرد و زبان و مذهب به عنوان یک ملت واحد...» و در بند ۳: «حمایت از جان، مال، امنیت و سایر حقوق همه مردم، در چارچوب قانون اساسی.» مورد تصویب قرار گرفته است.

با این وصف، هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مواجه با انبوه شکایات و مراجعات از سوی غیرمسلمانان مخصوصاً برخی از فرقه‌های مذهبی غیررسمی است که در عمل و اجرا، این ترتیبات رعایت نمی‌شود و نمونه‌های فراوانی از دستورالعمل‌ها و احکام صادره در مورد آن‌ها مبنی بر اخراج از شغل، حتی بازپس‌گیری حقوق ایام کارکرد، ندادن پروانه اشتغال به کار، مصادره اموال و حتی حکم زندان و اعدام به لحاظ منتسب بودن به یک فرقه عقیدتی ضالّه را ارایه می‌دهند که پیگیری‌های هیأت نیز گاه نتیجه‌بخش بوده و در بسیاری از مواقع هم مثمر ثمر نیست مخصوصاً مسایلی که مربوط به گذشته و تصمیمات قطعی قضایی می‌شود، مثلاً در مواردی دادگاه حکم صادر نموده که اراضی و اموال فرقه ضالّه در یک محل و منطقه‌ای مصادره و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گیرد مبنای قانونی خاصی هم برای حکم ذکر نشده و به طور کلی به مقررات شرعی و اسلامی استناد شده است. نمونه‌هایی از این نوع دستورات و احکام جهت استحضار حضرت‌عالی ارسال می‌شود، هیأت در مقابل این مطالبات که از یک سو مستند به اصول قانون اساسی و از سوی دیگر به اظهارات مقامات رسمی مملکتی چون ریاست محترم جمهوری و ریاست مجلس و دیگر مقامات است و در عین



حال تصمیمات متخذه، مخصوصاً بسیاری از آنها مرتبط به سال‌های قبل و با حکم قضایی شده است و حساسیت مذهبی خاص هم که خود واقفید در این زمینه وجود دارد واقعاً مواجه با اشکال است. مثلاً در پیوست شماره ۵ ملاحظه می‌فرمایید قاضی شرع دادگاه انقلاب بوشهر خطاب به اداره ثبت اسناد و املاک خورموج اعلام نموده: چون کلیه اموال و منازل فرقه ضالّه بهائیت در خورموج و حومه مصادره و در اختیار بنیاد مستضعفان بوشهر قرار گرفته لازم است اسناد زمین و باغات و منازل که به نام افراد بهایی‌ها ثبت شده به نام بنیاد مستضعفان بوشهر انتقال دهید...

چون پاسخ‌گویی و حلّ این نوع مطالبات که توقع آن از رییس‌جمهور و هیأت منتخب ایشان می‌رود ارتباط تنگاتنگی با موازین شرعی و تصمیمات قضایی دارد لازم دانستیم ضمن مطلع ساختن حضرت‌عالی از این گونه مسایل و آرایه نمونه‌های اندکی از آن، متذکر شویم که اگر مقدور است با مذاکره با دیگر سران قوا و احیاناً مجمع تشخیص مصلحت و نهایتاً مقام معظم رهبری چاره‌اندیشی برای این امور صورت گیرد البته حلّ برخی از امور مانند قسمتی از مورد پیوست شماره یک (مسأله پروانه اشتغال دام‌پزشکی) با خود قوه مجریه است که از سوی هیأت پیشنهاد حلّ آن نیز شده است ولی متأسفانه تاکنون اطلاعی از تصمیم‌گیری در این خصوص به دست نیامده است.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۵۰۷۳

تاریخ ۱۳۷۹/۶/۱۰

جناب آقای دکتر حبیبی

معاون اول محترم رییس جمهور

با سلام

گزارش شماره ۷۹-۲۲۳۷/م مورخ ۷۹/۶/۶ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و ضمیمه آن در خصوص مطالبات اقلیت‌های غیررسمی مذهبی (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر حبیبی

اولاً، آنچه مربوط به دولت است سریعاً طبق موازین قانونی عمل شود. ثانیاً، اگر صلاح می‌دانید اصل قضیه را به جلسه سران سه قوه ارجاع دهیم و در آنجا با حضور بعضی حقوق‌دانان (از جمله جناب آقای مهرپور و معاون حقوقی رییس جمهور) بحثی بکنیم نظر جناب عالی چیست؟ به هر حال مسأله مهمی است که ان شاء الله باید حل شود.»

سید محمدعلی ابطحی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## اخراج یک دانشجو از دانشگاه

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۱۰۵۳۷

تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۲

جناب آقای دکتر معین

وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

خبر مندرج در بولتن شماره ۳۳۰۸ / د مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۹ وزارت اطلاعات در خصوص چگونگی پذیرش و اخراج یک دانشجوی بهایی دختر از دانشگاه (تصویر پیوست) به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر معین

سریعاً رسیدگی کنید که مسأله چیست؟

جناب آقای دکتر مهرپور هم بررسی کنند.»

سید محمدعلی ابطحی

## بسمه تعالی

شماره ۷۹-۲۵۸۶

تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۹

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطحی

رئیس دفتر محترم رئیس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۷۹-۱۰۵۳۷/م مورخ ۷۹/۱۲/۲ منضم به پی‌نوشت ریاست محترم جمهوری به استحضار می‌رساند شکواییه مربوط به اخراج دختر دانشجو شهرد اتحادی علی‌آبادی از آموزشکده حضرت رقیه (س) یزد بعد از گذراندن دو ترم تحصیلی به لحاظ نوع عقیده‌اش قبلاً به هیأت واصل شد و چگونگی امر استعلام گردید، که هنوز پاسخ دریافت نشده است. گزارش بولتن اطلاعات تا حدودی موضوع را بیان کرده است. به هر حال در ارتباط با اخراج دانشجوی مزبور به لحاظ احراز بهایی بودن به استحضار می‌رساند طبق بند ۱ آیین‌نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۲، شرط ورود به دانشگاه‌ها علاوه بر قبولی داوطلب در امتحانات کنکور، تدین به دین اسلام یا یکی دیگر از ادیان آسمانی است و طبق تبصره ۲ اگر پس از پذیرفته شدن و ورود به دانشگاه مسلمان نبودن یا متدین نبودن به یکی از ادیان دیگر آسمانی ثابت شد حق ادامه تحصیل از او سلب خواهد شد. همچنین در بند ۳ قسمت ب گزارش مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به شماره ۲/۱۳۲۷ د مورخ ۶۹/۱۲/۶ که به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است، آمده است «در دانشگاه‌ها چه در ورود و چه در حین تحصیل چنانچه احراز شد بهایی‌اند از دانشگاه محروم شوند» بنابراین اقدام بعدی سازمان سنجش حسب اعلام و گزارش واصله بر لغو قبولی و ممانعت از تحصیل دانشجوی بهایی یاد شده علی‌الظاهر در ارتباط با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است. رسیدگی به وضع کلی فرقه بهایی و حقوق شهروندی آن‌ها از جمله مسأله تحصیل آنان به مناسبت‌های مختلف خدمت ریاست محترم جمهوری گزارش شده و ظاهراً تصمیم‌گیری در این خصوص به شورای عالی

امنیت ملی موکول شده که این هیأت تاکنون از نتیجه آن اطلاعی ندارد. اگر منظور از بررسی، رسیدگی به کوتاهی و تخلف مسئولین مربوطه در توجه نکردن به اظهارات اولیه داوطلب قبول شده مبنی بر بهایی بودن و در عین حال پذیرش و ثبت نام او بر خلاف مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده طبعاً رسیدگی به آن مربوط به مراجع ذیصلاح انضباطی وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری می باشد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## بسمه تعالی

شماره ۸۰-۳۱۲۶

تاریخ ۱۳۸۰/۳/۱۶

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطحی

رئیس دفتر محترم رئیس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۰۶۳-۸۰/م مورخ ۸۰/۲/۲۹ منضم به نامه شماره ۱۳۲۶-۴۲۰/۱ مورخ ۸۰/۲/۲۳ دبیر شورای عالی امنیت ملی و نیز نامه شماره ۸۰-۲۸۰/م مورخ ۸۰/۲/۱ حاوی پی نوشت ریاست محترم جمهوری و منضم به نامه شماره ۱۰۲/س/م مورخ ۸۰/۱/۲۰ ریاست سازمان سنجش در خصوص ممنوع التحصیل نمودن دختر دانشجوی بهایی در آموزشکده حضرت رقیه (س) یزد - به استحضار می رساند تفصیل موضوع و مبانی قانون تصمیم مزبور طی نامه شماره ۷۹-۲۵۸۶/م مورخ ۷۹/۱۲/۹ قبلاً اعلام شده است که طبعاً مطلب جدیدی قابل ارایه در این خصوص وجود ندارد؛ در نامه سازمان سنجش به مصوبه سال ۱۳۷۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد تعیین مصادیق عناد که از جمله تبلیغ ماتریالیسم و ادیان ساختگی است و موجب عدم صلاحیت داوطلب می شود اشاره شده است، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نیز رهنمود داده که اگر دانشجویی بهایی تعهد بدهد بر عدم اظهار بهایی بودن و عدم تبلیغ می تواند به تحصیل ادامه دهد هر چند حکمتی که برای این تصمیم در بند ۳ نامه به آن اشاره شد، یعنی سوء استفاده سازمان های طرفدار حقوق بشر با اخذ تعهد بر عدم اظهار عقیده باز به جای خود باقی می ماند ولی به هر حال رادحلی است که اگر قابل قبول باشد می تواند در موارد مشابه نیز اعمال گردد. ولی به نظر می رسد شورای عالی انقلاب فرهنگی که ریاست آن با ریاست جمهور است و مصوبات خود را در حکم قانون و لازم الاجرا می داند، باید تکلیف مصوبه سال ۱۳۶۳ و ۱۳۶۹ خود را در خصوص فرقه بهایی که نفس احراز بهایی بودن را موجب محرومیت ورود آنها به دانشگاه و در صورت ورود، محرومیت از ادامه تحصیل می داند مشخص نماید و به آموزش عالی

اعلام کند تا همه جا یکسان عمل نماید. اگر نظر مقامات بر این است که تبلیغ موجب محرومیت است و نه صرف عقیده و معلوم شدن آن، خوب است همان طور که فوقاً بیان شد، اصلاحیه‌ای در مصوبه صورت گیرد و تکلیف روشن شود وگرنه اشکال همچنان باقی است و طبعاً ایراد مجامع حقوقی بشری نیز پابرجاست.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## احکام مصادره املاک برخی از اقلیت‌ها

بسمه تعالی

شماره ۳۱۶۷

تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰

حضرت آیه‌الله شاهرودی

ریاست محترم قوه قضاییه

با سلام و آرزوی توفیق

به پیوست تصویر نامه شماره ۱۷۷۳ دی مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۵ دارگاد انقلاب اسلامی که حکایت از مصادره اراضی و املاک افرادی به عنوان داشتن مسلکی خاص و به خاطر مهاجرت آن‌ها به اصفهان صادر شده و به عنوان نمونه شکواییه یکی از مصادره شدگان از دهها شکایت بر همین سیاق که به هیأت واصل شده جهت ملاحظه و صدور هر گونه دستور مقتضی جهت اقدام وفق قانون اساسی و مقررات موضوعه دیگر حضورتان ارسال می‌شود.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

رونوشت:

- حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطحی رییس دفتر محترم رییس جمهور جهت استحضار



بسمه تعالی

شماره ۱/۸۰/۸۰۰۸

تاریخ ۱۳۸۰/۵/۳

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور

و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

بازگشت به شماره ۳۱۶۷-۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۰ در مورد مصادریه املاک بر اساس

احکام دادگاه انقلاب اسلامی، ریاست محترم قوه قضاییه در هاشم نامه جناب عالی

مرقوم فرمودند:

«بسمه تعالی، بارها عرض شد که مسؤلیت این هیأت

دخالت در امور قضایی و پرونده‌ها نمی‌باشد.»

مراتب جهت اطلاع، اعلام می‌گردد.

محمود شیرج

رییس نهاد قوه قضاییه

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۳۳۱۸

تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۶

جناب آقای شیرج  
رییس محترم نهاد قوه قضایه

با سلام

به پیوست تصویر نامه شماره ۸۰-۳۲۲۰ مورخ ۸۰/۵/۸ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و ضمائم آن در خصوص مصادره املاک بر اساس احکام دادگاه انقلاب اسلامی، متضمن پی نوشت ریاست محترم جمهوری مبنی بر:

«از رییس محترم قوه قضایه بسیار تعجب آور است که حتی از انعکاس مطالبی که به رییس جمهور و هیأت مورد تأیید او می رسد به قوه محترم قضایه ناراحت می شوند. و از این حداقل تفاهم ها و حسن نیت ها هم ابا می کنند احتمال می دهم مطلب به صورت نادرستی به اطلاع ایشان رسیده باشد. آیا انتقال یک شکایت یا اعتراض دخالت در قوه قضایه است؟!»

جهت استحضار ریاست محترم قوه قضایه ارسال می گردد.

سید محمد علی ابطحی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۱۰۶۳۶۱۸۰

تاریخ ۱۳۸۰/۶/۷

حجة الاسلام جناب آقای سید محمد ابطحی  
رئیس محترم دفتر ریاست جمهوری

با سلام

بازگشت به شماره ۳۳۱۸-۸۰/م مورخ ۸۰/۵/۱۶ ریاست محترم قوه قضاییه، پس از  
ملاحظه نامه آن دفتر و ضمائم، در هاشم آن، مرقوم فرمودند:

«بسمه تعالی - ظاهراً جناب ریاست محترم جمهور از مفاد  
نامه‌های هیأت مذکور، اطلاع دقیق پیدا نمی‌کنند و آن را تنها  
انتقال یک اعتراض و یا شکایت قلمداد می‌نمایند، در صورتی  
که مفاد آن نامه‌ها، چیز دیگری است و بار حقوقی دیگری در  
بردارد که توضیح آن فرصت دیگری می‌طلبد.»

مراتب جهت استحضار ریاست محترم جمهوری، ارسال می‌گردد.

محمود شیرج

رئیس نهاد قوه قضاییه

## درباره حقوق شهروندی فرقه بهایی

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۷۸۱۲

تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۷

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی

جناب آقای دکتر خرازی

وزیر محترم امور خارجه

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه شماره ۷۶۶۲-۸۰/م مورخ ۸۰/۱۰/۱۰ معاونت حقوقی و امور مجلس

رییس جمهور و ضمایم آن در خصوص فرقه ضالّه بهائیت (تصاویر پیوست)، به

استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر روحانی

جناب آقای دکتر خرازی

جناب آقای دکتر مهرپور

ملاحظه و چاره‌جویی شود. قبلاً هم نظیر آن را ارجاع داده

بودم به هر حال فکر می‌کنم بسیار نارواست که آنچه در سال ۶۷

حل شده به حساب آمده است امروز مشکل به حساب آید.»

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۷۶۶۲-۸۰

تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۰

برادر ارجمند، جناب آقای سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام،

طبق گزارشی که در تاریخ ۸۰/۱۰/۹ در جلسه رسمی کمیسیون محترم اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی با حضور این جانب ارائه گردید، برخی از کارمندان شاغل در سطح مؤسسات دولتی به استناد ارتباط و اعتقاد آنان به مسلک بهائیت، از حقوق شهروندی محروم می‌شوند.

یادآور می‌شوم، در تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۲، نخست‌وزیر محترم با موافقت ریاست جمهوری اسلامی ایران طی صدور بخشنامه‌ای به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و استانداری‌های سراسر کشور ابلاغ نموده‌اند:

«هیچ یک از مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مجاز نیست افرادی که جاسوسی و یا محرومیت‌شان از حقوق اجتماعی و قانونی به تشخیص مراجع ذیصلاح اثبات و مورد حکم قرار نگرفته را از حقوق اجتماعی و قانونی محروم نماید.»

با ارایه سوابق موضوع و با عنایت به اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رأی و نظر جناب عالی به عنوان رئیس‌جمهور و مسئول اجرای قانون اساسی در الزام رعایت حقوق شهروندی نیروی انسانی فرقه بهائیت، راهگشاست.

سید محمدعلی ابطحی

بسمه تعالی

شماره ۱۱-۴۴۶۲

تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۲

بخشنامه به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی،  
نهادهای انقلاب اسلامی، استانداری‌های سراسر کشور

نظر به این‌که مطابق گزارش‌های واصله در دستگاه‌های اجرایی انسجام لازم برای برخورد با فرقه ضاله بهائیت وجود ندارد. علیهذا با توجه به موافقت ریاست محترم جمهوری لازم است کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، استانداری‌های سراسر کشور روش زیر را به عنوان سیاست رسمی دولت به مورد اجرا گذارند.

با افراد جاسوس مطابق قوانین و مقررات برخورد قاطع صورت گیرد و در مورد دیگر شهروندان دارای هر عقیده‌ای که باشند با عنایت به قسمت اخیر اصل ۲۳ قانون اساسی به عنوان شهروند عادی مقررات و تسهیلات موضوعه اعمال و در مورد عقاید ایشان روش اصلاح‌گرانه به کار گرفته شود. هیچ یک از مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران مجاز نیست افرادی که جاسوسی و یا محرومیت‌شان از حقوق اجتماعی و قانونی و تشخیص مراجع ذیصلاح اثبات و مورد حکم قرار نگرفته از حقوق اجتماعی و قانونی محروم نماید.

طبیعی است مطابق اصل سیزدهم قانون اساسی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی هستند که در حدود قانون در انجام مراسم دین خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر اساس آیین خود عمل می‌کنند.

میرحسین موسوی

نخست وزیر

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۳۴۱۹

تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۹

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به پی‌نوشت نامه شماره ۷۸۱۲-۸۰/م مورخ ۸۰/۱۰/۱۷ در خصوص چاره‌جویی برای رعایت حقوق شهروندی فرقه‌های بهایی با توجه به گزارش و پیشنهاد معاونت محترم حقوقی و امور مجلس رییس‌جمهور، و اشاره به بخشنامه سال ۱۳۶۷ نخست‌وزیری به اطلاع می‌رساند، مسأله حقوق شهروندی وابستگان فرقه‌های مذهبی غیررسمی و مخصوصاً فرقه بهائیت که در اسناد حقوق بشری نهادهای ذی‌ربط سازمان ملل نیز از سال ۱۳۵۹ به این طرف همواره انعکاس یافته است از مسایل قابل توجهی است که بارها از سوی این هیأت نیز به لحاظ دریافت شکایات و تظلمات مورد بررسی قرار گرفته و مطالبی خدمت حضرت‌عالی منعکس شده است. از جمله طی نامه شماره ۷۷-۱۵۶ مورخ ۷۷/۶/۱۴ نخستین بار از سوی این هیأت این موضوع به عنوان یک معضل جمهوری اسلامی خدمت حضرت‌عالی منعکس شد. طی نامه‌های شماره ۷۸-۹۱۰/خ/م مورخ ۷۸/۵/۲۶ و ۷۹-۲۲۳۷/م مورخ ۷۹/۶/۶ نیز مطالبی کلی در ارتباط با دیدگاه قانون اساسی و مصوبه اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص رعایت حقوق شهروندی همه اتباع ایران و بیان برخی از مصادیق مغایر این دیدگاه خدمتتان ارسال گردید که تصویر این نامه‌ها جهت یادآوری مجدد و احیاناً پیگیری دستوراتی که جهت حل موضوع به شورای عالی امنیت ملی صادر فرمودید و هنوز نتیجه آن مشهود نیست حضورتان ارسال می‌گردد.

نامه‌های متعدد دیگر نیز در مورد اشتغال، تحصیل، ضبط اموال و... به مناسبت خدمتتان فرستاده شده که وقت شما را با تکرار یادآوری آنها نمی‌گیرم. ولی در ارتباط با پی‌نوشت اخیرتان بر نامه معاونت حقوقی و اشاره به بخشنامه‌ی سال ۱۳۶۷

نخست‌وزیری، لازم می‌دانم یادآوری نمایم که بخشنامه‌ی مزبور، موضوع را حل ننموده و نتوانسته جلوی محرومیت فرقه‌های غیررسمی از حقوق شهروندی بگیرد. زیرا هم قوه مقننه و هم هیأت دولت و هم شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرراتی برخلاف مفاد بخشنامه مزبور تصویب نمودند و هم دادگاه‌های دادگستری تصمیماتی مغایر با آنچه در آن بخشنامه آمده است اتخاذ نمودند.

پس از صدور بخشنامه نخست‌وزیری در سال ۱۳۶۷، مصوبات و تصمیمات زیر از سوی مراجع مختلف صادر شده است:

۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۹ مصوب نمود که بهایی‌ها به صرف احراز بهایی بودن حق ورود به دانشگاه‌ها را ندارند و اگر در حین تحصیل بهایی بودن کسی محرز شد از ادامه تحصیل محروم می‌شود.

۲- در سال ۱۳۷۳ هیأت وزیران در آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون سازمان دامپزشکی مصوب کرد که شرط صدور پروانه دامپزشکی، تدین به یکی از ادیان رسمی کشور است و بنابراین دامپزشک بهایی متقاضی صدور پروانه برای امکان اشتغال به کار از گرفتن پروانه به لحاظ بهایی بودن محروم است.

۳- در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی طبق قانون گزینش معلمان و قانون تسری قانون گزینش معلمان به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و آیین‌نامه اجرایی آن هرگونه استخدام در هر یک از دستگاه‌های دولتی و شبه دولتی را حتی به صورت قراردادی و روزمزد منوط به متدین بودن به یکی از ادیان رسمی کشور دانسته است.

۴- در موارد متعددی دادگاه‌ها حکم به مصادره اموال افراد بهایی، صرفاً به خاطر بهایی بودن آن‌ها و این که این فرقه ماهیتاً جاسوس آمریکا و اسرائیل است داده‌اند که نمونه‌هایی از آن خدمت حضرت‌عالی و ریاست محترم قوه قضاییه ارسال شده و تاکنون تصمیمی اتخاذ نگردیده است.

البته در موارد زیاد هم اداره اماکن و یا انجمن‌های شهر و امور صنفی از تأیید صلاحیت و یا دادن پروانه شغل آزاد به فردی صرفاً به خاطر بهایی بودن خودداری کرده‌اند که اگر بتوان بخشنامه نخست‌وزیری را بر این تصمیمات حاکم نمود و با نظر



جناب عالی و تنفیذ مجدد آن، آن‌ها را ملزم به تبعیت از مفاد آن کرد، طبعاً بخشنامه‌ی مزبور نمی‌تواند جلوی مصوبات مجلس، هیأت دولت و شورای عالی انقلاب فرهنگی را بگیرد.

به نظر می‌رسد اگر نظام جمهوری اسلامی ایران آن گونه که از مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دیدگاه ریاست محترم جمهوری بر می‌آید مصمم است حقوق شهروندی همه اتباع ایران اعم از پیروان ادیان رسمی و غیررسمی را به رسمیت بشناسد و اجرا نماید و حقوقی چون مالکیت و مصون بودن اموال و حق تحصیل و حق اشتغال و امثال آن را جزء حقوق شهروندی می‌داند که اعمال و اجرای آن‌ها هیچ ملازمه‌ای با رسمیت شناختن دینی دین ندارد لازم است با حل نظری موضوع در جلسه سران سه قوه و مقام معظم رهبری اقدامات زیر صورت گیرد:

۱- شرط تدین به یکی از ادیان رسمی برای اشتغال به خصوص در مورد مشاغل آزاد برداشته شود و عنداللزوم برای بعضی از مشاغل مهم و حساس و با وضعیت خاص چنین شرطی برقرار شود.

۲- ممنوعیت ادامه تحصیل پیروان عقیده خاص در دانشگاه‌ها لغو گردد.

۳- کسی به لحاظ داشتن عقیده خاص و این که صرف داشتن آن عقیده قرینه جاسوس بودن اوست تحت تعقیب و محاکمه و مصادره اموال واقع نشود.

۴- در خصوص احکام مصادره اموالی که صرفاً به خاطر وابستگی افرادی به عقیده خاص مذهبی صادر شده و قطعیت یافته چاره‌ای اندیشیده شود و راه تجدیدنظر بازگردد و با لغو احکام صادره، اموال مصادره شدگان به آنان بازگردانده شود.

طبعاً برای عملی شدن این کار باید برخی از قوانین و آیین‌نامه‌ها و مصوبات اصلاح گردد. بدون انجام این امر، صرف استناد به بخشنامه سال ۱۳۶۷ و اتکای به آن نمی‌توان به تأمین حقوق شهروندی همه اتباع کشور رسید.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## در خصوص نامه یکی از مراجع تقلید

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۴۳۳۲

تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۴

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

یا سلام

عطف به نامه شماره ۹۱۷۱-۸۳/م مورخ ۱۰/۱۰/۸۳ در خصوص نامه حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی و اظهار نگرانی ایشان از نامه‌نگاری و فعالیت بهاییان و گرفتن امتیازات خطرناکی در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها در آن حدی که بنده اطلاع دارم نکات زیر را حضورتان معروض می‌دارم:

۱- نامه‌ای که حضرت آیه‌الله مکارم به آن اشاره فرمودند به پیوست ارسال نشده بود احتمال می‌دهم نامه‌ای باشد که با امضای شخصی به نام روضیا کاتب پور شهیدی از طرف جامعه بهاییان ایران حدود یک ماه پیش به عنوان حضرت عالی ارسال شده و در آن ضمن شکایت از نوع برخورد با بهاییان در خصوص جان و مال و حقوق انسانی آن‌ها از نحوه برخورد نهایی با آن‌ها در کنکور سال جاری نیز گلایه شده است.

۲- نگرانی حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی در خصوص نفوذ و فعالیت بهایی‌ها در مجامع خارجی و مورد حمایت بودن آن‌ها از سوی برخی دولت‌های غربی به جاست. از همین اقدام اخیر دسته جمعی آن‌ها برای عدم انتخاب رشته و اعتراض گروهی صرفاً بدین جهت که در کارنامه اعلام نتایج کنکور در ستون مشخصات فردی جلوی دین عنوان اسلام قید شده بود نشانگر این فعالیت و هدفدار بودن اقدامات آن‌هاست. و طبیعی است که نسبت به این نوع موضعگیری‌ها و اهداف سازمان یافته آن‌ها باید هوشیاری لازم به خرج داد.

۳- در مورد امتیازات خطرناکی که حضرت آیه‌الله مرقوم فرمودند در آموزش و

پرورش یا دانشگاه‌ها به آن‌ها داده شده است. آنچه که بنده در این زمینه اطلاع دارم مربوط به شرکت آنان در کنکور و ورود به دانشگاه و مراکز آموزش عالی می‌شود. همان‌گونه خود جناب عالی مستحضرید علاوه بر روش عملی که برای ممنوعیت بهائیان به دانشگاه‌ها و حتی مدارس وجود داشت در سال ۱۳۶۹، شواری عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای را گذراند که به تأیید مقام معظم رهبری نیز رسید. در آن مصوبه تصریح شده بهائیان از تحصیل در دانشگاه‌ها چه عندالورود و چه در ادامه ممنوع می‌باشند. متن این مصوبه با این که جزء مصوبات علنی و اعلام شده شورای عالی انقلاب فرهنگی نبود ولی به زودی به دست بهائیان رسید که در محافل بین‌المللی از جمله کمیته حقوق بشر ارابه داده و دولت جمهوری اسلامی ایران را از این جهت متهم به نقض موازین حقوق بشر نمودند.

به دنبال شکایات و پیگیری‌های زیادی که در این زمینه به عمل می‌آمد در جلسه ۵۳۰ مورخ ۸۲/۹/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد شد در فرم تقاضانامه ثبت‌نام آزمون سراسری به جای سؤال مربوط به دین داوطلبان این‌گونه سؤال طرح شود: چنانچه به سؤالات معارف غیراسلام پاسخ می‌دهید آن را مشخص نمایید: کلیمی، مسیحی، زرتشتی. بر این اساس بدون این که از داوطلب خواسته شود دین خود را بیان کند با سکوت و یا اعلام خود نوع معارف دینی را که مایل است امتحان دهد از بین چهار دین: اسلام، کلیمی و مسیحی و زرتشتی اعلام می‌کند و نتیجتاً یک فرد بهایی نیز اگر بهایی بودن خود را اعلام نکند بدون این که ملزم باشد وابستگی خود را به یکی از ادیان رسمی اعلام نماید می‌تواند ثبت نام نموده و در کنکور شرکت نماید که همین کار در کنکور سال ۱۳۸۳ انجام شد و ظاهراً عده‌ای حدود هفتصد یا هشتصد نفر بهایی حسب اطلاع شفاهی داده شده به هیأت در آزمون سراسری شرکت نموده و تعدادی قریب چهارصد یا پانصد نفر آنان نمره قبولی که مجاز به انتخاب رشته باشند را حائز گردیدند احتمالاً عده‌ای از آنان نمرات خوبی هم کسب کرده‌اند. در کارنامه اعلام نتایج که از سوی سازمان سنجش برای آن‌ها ارسال شد در ردیف مشخصات فردی طبق فرم رایج ستون دین نیز وجود داشت که برای این عده از داوطلبان کلمه اسلام قید شده است

همین امر باعث اعتراض دسته‌جمعی آنان شده و قبول شدگان آنها هم عموماً حاضر برای انتخاب رشته نشدند حدود پانصد نامه تقریباً با یک مضمون برای هیأت ارسال شد که نشانگر اقدام جمعی آنهاست. توضیح سازمان سنجش این بود که قید اسلام در کارنامه نه دلیل مسلمان بودن این افراد و نه محرومیت آنها از انتخاب رشته است ولی به هر حال برخی از کارنامه‌ها را اصلاح نموده و ستون دین را اصولاً حذف کردند و گفته شده در آینده اصولاً فرم کارنامه‌ها نیز اصلاح خواهد شد البته بهاییان داوطلب مدعی‌اند به هر صورت امسال هم نتوانستند وارد دانشگاه شوند.

و به هر حال با اقدام اصلاحی شورای عالی انقلاب فرهنگی و سازمان سنجش تنها ارفاقی که در مورد ورود به دانشگاه برای بهاییان شده این است که اگر اظهار نکنند بهایی هستند می‌توانند در کنکور شرکت نموده و معارف دینی را هم یا معارف اسلامی یا یکی از ادیان اقلیت رسمی امتحان دهند و در صورت کسب نمره قبولی انتخاب رشته نموده و عندالاقضاء وارد دانشگاه شوند ولی ظاهراً مصوبه سال ۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی به شرحی که قبلاً مرقوم افتاد هنوز به قوت خود باقی است و از این جهت بهاییان که ظاهراً تجری بیشتری پیدا کرده و به دنبال مطرح کردن خود هستند به این مقدار راضی نیستند و لذا به بهانه مذکور از انتخاب رشته نیز در موعد مقرر خودداری کردند. باید دید در سال جاری وضع چگونه خواهد بود؟

بندد هیچ اطلاع دیگری در خصوص امتیازی که احیاناً در آموزش و پرورش و یا در دانشگاه به آنها داده شده ندارم طبعاً اطلاعات لازم در این خصوص را وزارت‌های مربوطه و وزارت اطلاعات می‌توانند در اختیار جناب عالی بگذارند.

۴- نکته قابل توجهی که وجود دارد و حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی نیز در ذیل نامه خود به اشاره فرمودند مشکلات حکومت اسلامی در این زمینه است که خوب است علمای اعلام موضوع را از لحاظ شرعی و فقه حکومتی روشن نموده و تکلیف دولت را مشخص نمایند، حدود رعایت حقوق شهروندی این فرقه و اصولاً گروه‌هایی که متدین به یکی از ادیان شناخته شده در قانون اساسی نیستند، را روشن کنند. آیا افراد این گروه حق حیات و حقوق اولیه‌ای که لازمه ادامه حیات در جامعه امروزی است دارند یا خیر؟

آیا می‌توان همه افراد یک فرقه و گروهی که اعتقادی خاص هرچند باطل دارند و تبعه جمهوری اسلامی ایران هستند به اعتبار این که مورد حمایت دولت‌های معاند می‌باشند و برخی از آنها جاسوسی هم می‌کنند از حقوق شهروندی از جمله رفتن به مدرسه و ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی محروم کرد؟ با این که از آنها مانند دیگر اتباع حکومت، مالیات گرفته می‌شود و به خدمت سربازی هم مکلف می‌گردند.

بدیهی است جاسوسی برای بیگانگان جرم است و جرم بزرگی است چه مسلمان مرتکب این جرم شود چه غیرمسلمان ولی جرم و مجازات جنبه شخصی دارد هر کس ثابت شد مرتکب چنین جرمی شد، باید مجازات قانونی آن را نیز متحمل شود ولی آیا واقعاً می‌شود حکم کلی صادر کرد که اعضای یک گروه جاسوس‌اند و به همین جهت از بسیاری از حقوق اولیه اجتماعی موسوم به حقوق شهروندی از جمله حق دستیابی به آموزش و آموزش عالی نیز محروم‌اند، حقیقتاً آقایان علمای بزرگوار خوب است به طور جدی این مسأله را روشن و حکم واقعی آن را بیان کنند که تکلیف دولت در مقام تقنین و قضا و اجرا نیز روشن شود.

از سوی دیگر دولت جمهوری اسلامی ایران عضو برخی از معاهدات بین‌المللی است که در کمیته‌های مربوطه ناظر بر اجرای آن معاهدات باید حضور پیدا کند و راجع به انجام یا نقض تعهدات قراردادی خود توضیح دهد.

در این خصوص باید اولاً از لحاظ ماهوی موضع جمهوری اسلامی ایران راجع به این گونه معاهدات مشخص شود مثلاً دولت ایران کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش مصوب کنفرانس عمومی یونسکو را تصویب کرده، و عضو آن معاهده است طبق ماده ۴ کنوانسیون مزبور دولت‌های عضو متعهدند آموزش عالی را به طور مساوی قابل دستیابی برای همه بر مبنای صلاحیت و توانایی شخصی و بدون تبعیض از هر حیث از جمله مذهب و عقیده سیاسی قرار دهند.

دولت در برابر این تعهد بین‌المللی و پاسخ‌گویی به آن در محافل مربوطه بین‌المللی چه باید بکند؟ آیا می‌تواند بگوید چون جمعی از اتباع‌اش عقیده باطلی دارند و جاسوسی بیگانه می‌کنند خود را ملزم به اجرای این معاهده در مورد آنها و فرزندان‌شان نمی‌داند؟

ثانیاً از لحاظ تبلیغاتی نیز همین گروه‌ها در همین محافل به گونه‌ای با تشریح نقض حقوق شهروندی خود همدردی دیگران را با خود و علیه دولت ایران جلب می‌کنند، مثلاً در دو سال پیش در جریان برگزاری اجلاس کمیته رفع تبعیض نژادی در مقر سازمان ملل در ژنو، بهاییان متن دادنامه یکی از دادگاه‌های ایران را با ترجمه انگلیسی آن در بین حضار پخش کردند که طبق آن فردی که عمداً یک نفر بهایی را به قتل رسانده بود به لحاظ این که مقتول بهایی و غیرمسلمان بود نه محکوم به قصاص و نه ملزم به پرداخت دیه شده بود. پر واضح است که انتشار این گونه مطالب چه ذهنیت و قضاوت منفی را نسبت به رعایت حقوق انسانی در نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند.

موارد از این قبیل زیاد است و حقیقتاً جا دارد علمای بزرگوار اسلام از جمله فقیه روشن‌بینی چون حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی با رهنمودهای علمی و ارشادی خود تکلیف حکومت و موضع‌گیری دولت را در این قبیل امور روشن نمایند.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی